زندگی سلام
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
•سه‌شنبه• ۲۰ شهریور ۱۳۹۷ •شماره ۱۱۳۵

دنیا به روایت تصویر

رویترز| همایش خودروهای کلاسیک، انگلستان

فرانس پرس| لحظه سر از تخم درآوردن یک کروکودیل

گتی ایمیج| رساندن آب و غذا به روستاییانی که در سیلاب گیر افتاده‌اند، هندوستان

با کاروان کربلا

بُرَیر بن خُضَیر هَمْدانی مِشْرَقی

همه ما از کودکی با شنیدن ماجرای کربلا بزرگ شده ایم. ذکر مصیبت های عاشورا در جان مان پیچیده و تک تک وقایع «روز واقعه» جلوی چشمان مان جان گرفته است. در این سلسله مطالب می خواهیم با کاروان کربلا همسفر شویم و شخصیت های تاثیر گذار صحرای کربلا را که کمتر می شناسیم شان یا حتی اصلا نامشان به گوش مان نخورده است، بیشتر بشناسیم.

«بریر» را مردی زاهد، عابد و از بزرگان و قاریان مسجد جامع کوفه و مفسری پرهیز کار دانسته اند که به تدریس قرآن اشتغال داشت و از یاران امیر المؤمنین(ع) بود. از او با لقب «سید القُرّاء» و «سرآمد قاریان مردم روزگار خویش» یاد کرده اند. بنا به روایاتی، کتابی به نام «القضایا و الاحکام» دارد که مطالب آن را از قول امیر المؤمنین علی(ع) و امام حسن(ع) نقل کرده است.

بریر ۶۰ ساله وقتی از حرکت امام حسین(ع) از مدینه به مکه آگاه شد، از کوفه به سوی مکّه حرکت کرد و به جمع اصحاب امام(ع) پیوست و ایشان را تا کربلا همراهی کرد. پس از خطبه امام حسین(ع) در کربلا که یاران امام تجدید بیعت کردند، بریر نیز از جای برخاست و گفت: «ای پسر رسول خدا(ص)! خداوند به واسطه وجود شریفتان بر ما منت نهاده است، به درستی که ما در رکاب شما نبرد می کنیم، تا آن جا که در راه شما اعضای بدن مان تکه تکه شود. پس جد شما در روز قیامت شفیع ما خواهد شد.» بریر از حضرت(ع) اجازه خواست تا عمر بن سعد را موعظه کند، امام(ع) پذیرفت.

عمر سعد در پاسخ موعظه او گفت: «... به خدا سوگند، می دانم و سرگردانم و میان دو خطر خویش اندیشناکم. آیا ملک ری را رها کنم، در حالی که آرزوی من است یا آن که گناه قتل حسین(ع) را به گردن گیرم؟»

بریر مرد شجاعی بود و دعوت دشمنانی را که هم آورد می طلبیدند، رد نمی کرد. روایت شده که در صبح عاشورا به نداهایی که جنگجو می طلبیدند، پاسخ گفت؛ اما امام حسین(ع) به او اجازه نبرد نداد. رجز خوانی او چنین بود: «من بریر، فرزند خضیرم، شیر به هنگام غرش از کسی نمی ترسد، اهل خیر از خیر خواهی ما آگاه اند، من شما را می زنم و از این کار زیان نمی بینم... به نزدیک من آیید ای کشندگان عترت رسول خدا(ص)» بریر در جریان عاشورا نقش پررنگی در روحیه بخشی به یاران امام(ع) و روشنگری سپاه اموی داشت که بسیار شبیه عمار یاسر در جنگ صفین بود. معاویه بعد از شهادت عمار و مالک اشتر اعتراف کرد که دو بازوی قدرتمند علی(ع) را قطع کردم.

روز عاشورا بریر را برخلاف همیشه بسیار بذله گو و شوخ طبع دیدند. به او اشکال گرفتند که این ساعت، زمان شوخی نیست. بریر در پاسخ گفت: «ای برادر! اقوام و خویشان من می دانند زمانی که جوان بوده ام اهل بذله گویی نبوده ام، چه رسد به زمان پیری. اما من واقفم به آن چه که به زودی ملاقاتش خواهیم کرد.» **برگرفته از ویکی شیعه و تبیان**

بریده کتاب

دور دنیا

کتاب حاوی بمب در یک کتاب فروشی قدیمی

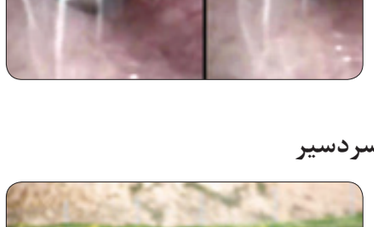

آدیتی سنترال- کارکنان یک کتاب فروشی دست دوم قدیمی در غرب اسپانیا، کتابی کشف کردند که باعث وحشت آن ها شد. آن ها متوجه وزن زیاد یکی از کتاب های قدیمی شدند و با باز کردن آن، در کمال ناباوری با صحنه عجیبی مواجه شدند. صفحات کتاب کنده و یک بمب ساعتی با خازن ها و سیم های پیچ در پیچ در آن جاسازی شده بود. کارکنان و مردم بلافاصله از محل متواری شدند و پلیس را خبر کردند اما بمب منفجر نشد. با بررسی های پلیس مشخص شد، بمب کارگذاشته شده تقلبی است و معلوم نیست چه کسی قصد این شوخی وحشتناک را داشته است.

مرتفع ترین رستوران دنیا

گینس ورلد رکورد- مرتفع ترین رستوران دنیا برای کسانی که عاشق هیجان و چالش های سخت هستند، ساخته شده است. رستوران هندی «طبیعت ارگانیک» در ارتفاع ۵۵۸۰ متری در کوه های هیمالیا واقع شده است و برای رسیدن به آن باید هشت شبانه روز کوهنوردی کنید تا لذت یک غذای خوشمزه و گرم را در ارتفاعات پر برف هیمالیا تجربه کنید. این رستوران نامش را در کتاب رکوردهای گینس ثبت کرده است.

تارهای عنکبوت در گوش مرد چینی

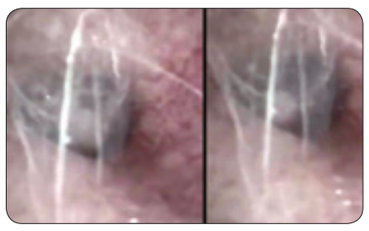

آدیتی سنترال- مرد چینی که از صدای خش خش داخل گوشش به ستوه آمده بود، با مراجعه به بیمارستان متوجه شد که عنکبوتی سال ها در گوشش در حال تنیدن تار است! این مرد ۶۰ ساله صدای آزار دهنده ای را سال ها تحمل می کرد اما هرگز فکرش را نمی کرد این اتفاق عجیب در گوش او افتاده باشد.

حیوان گرمسیری در منطقه سردسیر

دیلی میل- هرچند تلفظ انگلیسی کشور «اتریش» که «استریا» خوانده می شود با استرالیا اشتباه گرفته می شود اما اتریش یکی از سردترین کشورهای اروپاست و زیستن حیوان گرمسیری مثل «کانگورو» در این کشور غیرممکن است. پیداشدن یک کانگورو در جنگل های این کشور، همه را شوکه کرده است. این حیوان به تنهایی در این جنگل پیدا شده و هیچ کس دلیلی برای حضور او در این کشور پیدا نکرده است!

تفأل

آن خوش خبر کجاست که این فتح مژده داد
تا جان فشانمش چو زر و سیم در قدم

از بازگشت شاه در این طرفه منزل است
آهنگ خصم او به سر اپرده عدم

کاشوب

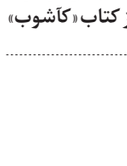

آداب مجلس ایده آل ما

توی مجلسی که ایده آل ماست، قاری خوش صدایی ابتدای مجلس قرآن می خواند. همه آرام صلوات می فرستند. سخنران می رود بالای منبر. نه آن چنان خشک و جدی و عبوس که همه خسته شوند و نه آن قدر شوخ و سرخوش که صدای بعضی ها بلند شود. وعظ می کند، کوتاه و پرمعنا. از درد امروز دنیا می گوید و درمانی که هزار سال پیش نسخه اش را حسین(ع) پیچیده است. پایش روی همین زمینی است که همه ایستاده ایم. از فضا حرف نمی زند. مملکت را گل و بلبل نمی بیند. حواسش به سیاست است اما سیاسی حرف نمی زند. با کنایه هم که شده نقد می کند. حرف که می زند حس می کنیم مال همین خاک است. نه پیچیده گویی بلد است و نه عوام بازی درمی آورد. سخنران مجلس ما جمعیت را خسته نمی کند. بلد است چطوری برود به صحرای کربلا و رشته صحبتش را به روضه گره بزند. لحنش آرام آرام عوض می شود. نیمی از چراغ های مجلس را خاموش می کنند. صدای واعظ سوز آشنایی می گیرد. همه را می برد سمت بغض. و اولین اشک ها که می ریزند و اولین آه ها که بلند می شوند، به صاحبان اصلی مجلس سلام می دهد: «صلّی ا... علیک یا ابا عبدا...» و عرضش را تمام می کند.

لابه لای زمزمه های خیس از اشک مردم، میکروفون به دست مداحی می رسد که قرار نیست تقویت کننده های صدا، شعرهایش را تا چند خیابان آن طرف تر هم برسانند. شعرهایش را حفظ است. گاهی هم به کاغذ بلند بالایی که دستش تا کرده، نگاه می کند. پس زمینه مدام تکرار شونده نام حضرت را در نقش اکوی صدا نمی شنویم. مداح مودب سر جایش نشسته، نه فریاد می زند و نه از جمعیت صدای بلند گریه طلب می کند. شعرهای قدیمی ناب یا غزل های معاصر سنگین می خواند. همراهش شور می گیریم، سینه می زنیم، اشک می ریزیم. دو دسته می شویم و مصرع شعرها را بین خودمان تقسیم می کنیم. یک گروه مان به «اهل حرم» خبر می دهد «میر و علمدار نیامد» و گروه دیگر خبر را تایید می کند «سقای حسین سید و سالار نیامد»... و تمام جمعیت یک صدا از صبح می خواهند که فردا «طلوع» نکند.

به «مظلوم»ها و «حسین»های کشیده که می رسیم، به «عطشان»ها و «بی کفن»ها و «غریب»ها، پیرمردهای قدیمی تر، مجلس را دست می گیرند و کربلا می خواهند. انگار بر مشام شان «بوی کربلا» رسیده باشد. ترسیده اند آخر «آرزوی کربلا» بر دلشان بماند. دسته جمعی می رویم کربلا، می رویم نجف، می رویم مدینه و آخر روضه یاد آخرین امام مان می افتیم. بلند می شویم دست بر سینه احترام می گذاریم.

بریده‌ای از روایت «بغض دونفره» به قلم محبوبه سربی، از کتاب «کاشوب»

کاریکلماتور

حدیث روز

امام محمد باقر(ع): مؤمن از کوه سخت‌تر است. از کوه کم می شود اما از دین مؤمن چیزی کاسته نمی شود. **کافی**

ذکر روز سه شنبه
صد مرتبه «یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

اقسام توبه

علامه حسن زاده آملی می فرمایند:
«در حدیث آمده است: دنیا بر اهل آخرت، و آخرت بر اهل دنیا، و هر دو بر اهل ا... حرام گشته است. از این رو گفته اند توبه بر سه قسم باشد: یکی توبه بندگان که آن توبه از ترک طاعت و فعل قبیح است. دیگر توبه خاص اهل ورع (پارسایی) که توبه از ترک مندوب (واجب) است؛ و سه دیگر توبه «اخص من الخاص» که توبه است از التفات به غیر خدا. و این توبه، مخصوص اهل ولایت باشد که غالبا در مرتبه حضور ند و توبه پیامبر اکرم(ص) و اولیای خدا از این قبیل بوده است. پیامبر(ص) فرمود: گاه دلم را کدورتی عارض می شود و من به راستی که از خدای، هر روز هشتاد بار آرامش می طلبم.» **برگرفته از کتاب «توبه»**

فارسی بنویسیم

رُند یا سرراست؟

اسماعیل فریدونی

عباس گفت: «یه شماره «رُند» دارم برای فروش، نمی خوای؟» گفتم: «اگه «سرراست» باشه می خوام.» پاسخ داد: «خب سر راسته دیگه!» گفتم: «پس چرا میگی رند؟» عباس نفسی تازه کرد و گفت: «حق با تو بود. این قدر سرم شلوغه که دیگه فرصتی برای درک کلمات ندارم.» گفتم: «به خاطر اینه که کار فرهنگ برای تو اولویت اول نیست...» گفت و گوی من و عباس طولانی شد. دست آخر او قول داد بعد از این سرراست به سراغ ادبیات برود و مسائل فرهنگی را در اولویت کار و زندگی اش قرار دهد.

حکایت

ستاره شناس در چاه

روزی از روزها منجمی (ستاره شناسی) در قعر چاهی ژرف افتاد. همه به او گفتند: «بینوای بدبخت، تو که نمی توانی زیر پای خویش ببینی، چگونه فکر می کنی می توانی ستارگان آسمان را ببینی!» **نویسنده: ژان دو لافونتن**
مترجم: ملیحه صمدی

قرارمدار

اندکی صبر

در گذر

سیده زهرا رحمانی

لحظه ها کوتاه است
زندگی مان زیباست
آب در کاسه دل می جوشد
در قفس مرغ دگر بار تو را می خواند
لحظه ها در پی هم
همره سایه باد
می سرایند ندای خوش آوای جهان

ما و شما

راه‌های ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۰۹۹۹ و ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام

* شما که در پرونده یک شنبه نوشتی وظیفه فروشنده ها اینه جنس هایی که قبلا خریدن رو به قیمت قبل بدن، خودتون حاضرین ماشینتون رو به قیمت قبل بفروشین؟
* چرا یک شنبه طبق عادت هفتگی مسابقه «چی شده؟» رو برگزار نکردین؟

ما و شما: در این دو هفته سوگواری دهه اول محرم، مسابقه ها رو موقتا تعطیل کردیم.

* چرا صفحه زندگی سلام را به این بزرگی چاپ می کنید؟ واقعا از روزنامه دلزده شدیم. حرف جمعی از دوستان است.
* همون جور که چشم بسته، همیشه خواب نیست، لب خندون هم همیشه شاد نیست! **محمد جواد سلیمی**
* خواهر گلم زهرا جان، تولدت مبارک.

داداش محسن

* زندگی سلام امیدوارم تا به سن مدرسه رسیده باشی، بحران ها رو رد کرده باشیم.
* زندگی سلام تولدت مبارک، از تصویر معلومه که پسری!
* عکس روباه شیطون در دنیا به روایت تصویر خیلی زیبا و جذاب بود.
* لحظات عمرمان - برخلاف تولد دوباره طبیعت در بهار - در حال خزان است، پس باغنیمت شمردن آن، باعث حسرت نخوردن در روز رستاخیز شویم.
* آق کمال؛ تعطیلات تابستون بهتون خوش گذشت؟!

آق کمال: اگه گرما خوردن و دنبال یگ لقمه نون دویدن خوش گذشته که بله، جای شما خالی!

* از خدای بزرگ ممنونم به خاطر داشتن تنها خواهر خوب و عزیزم نگار و همین طور پدر و مادرم که همیشه حواس شون به ما بوده و هست. **پویا اباذریان**
* و اگر زندگی سلام نبود، دست ما، در پی چیزی می گشت... تولدت مبارک زندگی سلام
* من و خواهرم شیوا از توجه و محبت پدر و مادرمان که عاشقانه شب و روز برای راحتی ما تلاش می کنند تشکر می کنیم. **سینا اباذریان**
* در بهترین روزهای زندگی ام جایت خالی است مادر بزرگ، کاش بودی و شادی هایم را با تو تقسیم می کردم. کاش بودی و در قاب خاطره هایم عکس دو نفره مان را به دیوار می زدم. **مهسا فولادی**
* می گویند ۴ ساله شدی، مبارک است. امیدوارم ۴۰ ساله شوی.
* خدایا شکر که مادرم سالم است و یک خانم خوب و سه پسر گل و سالم بهم دادی و با دوست خوبم آقا مسعود آشنا شدم، کسی که برایم مثل برادر عزیز است. **علی آبادی، بجنورد**
* **پیام صرفه جویی:** یک نکته کنکوری؛ تنها وقتی که شارژ تلفن بی سیم تون تموم شد، به شارژ بزنیدش و تا جایی که می تونید، از تلفن بی سیم استفاده نکنید. استفاده از تلفن های معمولی که برای کار کردن نیاز به برق ندارن، به صرفه تره.

فراخوان مناقصه عمومی خرید لوله پلی اتیلن ۵ منطقه
استان سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی (نوبت اول)

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی درنظر دارد مطابق جدول ذیل لوله پلی اتیلن (قطار ۹۰ تا ۲۵۰ میلیمتر و فشار ۶ اتمسفر و مواد PE۱۰۰) مورد نیاز پروژه های عمرانی خود را از طریق مناقصه عمومی از تولید کنندگان واجد شرایط که دارای مجوز از دفتر توسعه سامانه های نوین آبیاری معاونت آب خاک وزارت جهاد کشاورزی می باشند خریداری نماید.

شماره مناقصه	کد فراخوان	محل اجرا	برآورد اولیه (ریال)
۹۷/۱ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۳	منطقه یک شهرستانهای بردسکن، خلیل آباد، کاشمر، گناباد و بجستان	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۲ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۴	منطقه ۲ شهرستانهای تربت جام، تایباد، باخرز، سرخس، صالح آباد، فریمان	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۳ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۵	منطقه ۳ شهرستانهای نیشابور، فیروزه، مشهد، چناران، قوچان، طرقبه و شاندیز، درگز، کلات	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۴ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۶	منطقه ٤ شهرستانهای تربت حیدریه، مه ولات، زاوه، رشتخوار، خواف	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۷/۵ م	۲۰۰۹۷۳۲۶۶۰۰۰۰۱۷	منطقه ۵ شهرستانهای سبزوار، خوشاب، جوین، جغتای، داورزن	۴۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

لذا از کلیه شرکت های تولیدکننده دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۷/۰۶/۲۰ لغایت ۹۷/۰۶/۲۶ به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://setadiran.ir مراجعه نمایند. شماره تلفن ۳۷۰۱۶۶۰۵ در ساعات اداری جهت پاسخگویی به سوالات مناقصه ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برندگان مناقصه می باشد.

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی

د/۹۷۰۹۷۳۸۲

دهار
DAHHAR CAFE RESTAURANT
به کافه رستوران دهار خوش آمدید
طرقبه، نبش عنبران ۲۵
۰۵۱۳ ۴۲۲۲ ۸۶۹
ما را در اینستاگرام دنبال کنید
@dahar_restaurant
آدرس سایت
www.dahaar.com

رستوران «دهار» افتخار دارد در یکی از زیباترین نقاط ییلاقی طرقبه، میزبان خانواده‌های ایرانی باشد. این مجموعه کافه‌رستوران، با معماری متفاوت و خاص و همچنین با بهره‌مندی از تلاش و تجربه افراد متخصص، جهت استفاده شما مشتریان گرامی در نظر گرفته شده است و به جرات می توان گفت، یکی از متفاوت‌ترین مجموعه‌های رستورانی و پذیرایی در ایران به شمار می‌آید..

رستوران: سرو انواع غذاهای سنتی با بهترین کیفیت و با بهره گیری از تجربه یکی از مجرب‌ترین آشپزهای حرفه ای و بین المللی.
کافی شاپ: پذیرایی از شما در محیطی دل‌انگیز با یک منوی کامل شامل انواع نوشیدنی‌های گرم و سرد که توسط یک پاریستای کاملا حرفه ای تهیه می شود. فضایی عالی برای مجالس و برنامه‌های خانوادگی.
باغ رستوران: در فضای باغی این رستوران بزرگ، محیطی آرام و دلنشین را برای شما و خانواده عزیزتان فراهم آورده‌ایم تا از این طبیعت زیبا و از فرصت باهم بودن، حظ ببرید.
پارکینگ: فضایی اختصاصی و امن جهت رفاه حال مشتریان عزیز فراهم آمده است.
معماری متفاوت: «دهار» برای شما تجربه سفر به قلب یک غار زیباست. لذت حضور در تکه‌ای از طبیعت. این سبک از معماری در کشورمان بی‌نظیر بوده و به مدد متخصصان و طراحان توانمند، اجرایی شده است. دوست‌داران طبیعت، به ویژه آن‌هایی که اهل کوهنوردی و غارنوردی هستند، از جلوه‌های معماری باشکوه و بی نظیر این رستوران، لذتی دوچندان خواهند برد.
میزبان مجالس خانوادگی شما هستیم: در محیط زیبا و معماری متفاوت «دهار» با منوی متنوع و غذاهای با کیفیت، به انضمام کادری مجرب و آموزش‌دیده، پذیرای مجالس خانوادگی شما هستیم. در این فضا، ظرفیت میزبانی همزمان از ۷۰ نفر وجود دارد.
«به ما این فرصت را بدهید تا در هم‌نشینی خانوادگی شما را برایتان به یک خاطره زیبا تبدیل کنیم»

م/۹۷۰۹۳۶۵۲